

# جشنواره فرهنگی و هنری ۳۱۳

## ویژه میان پرده های نمایشی کوتاه و سرود

### سید

دو تا دوست در حالیکه لباس بسیج به تن دارند در حال گفتگو با هم هستند

اولی: سید حسین خیلی از دست ناراحت هستم چرا نگفتی که دومین برادرت هم

شهید شده؟ میری تهران برای ختم برادرت و به من نمیگی

سید حسین: صادق اگر مادرم ناراحت نمی شد اون ۳ روز هم تهران نمی رفتم ...

جنگ واجبیه ، داداشهای من هم بخاطر انقلاب و اسلام شهید شدند. نباید وسط

عملیات می رفتم

صادق: قبول دارم ولی یه اطلاعی هم به ما می دادی خوب بود

سید حسین: نه نمی خواستم ناراحت بشی و حواست از جنگ و عملیات منحرف بشه

صادق: خدا روح هر دو برادر شهیدت را با شهدای کربلا محشور کنه...

سید حسین: خدا رفتگان شما را هم بیامرزه ... خوب من باید برم جلو... یادت باشه مثل

همیشه به گوش باش و آتیش بموقع بریز

صادق: ای به چشم ... کی گفתי آتیش بریز که نریخته ام ... مومن

سید حسین: دفعه قبل که درخواست آتیش سنگین کردم هی می گفתי که فقط

ذخیره های توپخانه مونده و اجازه نداری اونا رو آتیش کنی

صادق: با وفا آخرش که ریختم ... نریختم؟

سید حسین: یادته هی می گفתי بچه ها رفتن برای خرید

صادق: خوب وقتی گلوله های توپخانه تموم بشه و تدارکات هم بموقع اقدام نکنه ...

همین میشه دیگه

سید حسین: الان که وضع انبار و گلوله های توپخانه خوبه که؟

صادق: اره ایشا... هر وقت یا علی بگی برات می ریزم

سید حسین: امشب اگه خدا بخواد می رم خط شنیدم عراقیها چنده روزه پاتک های

سینگین می کنند ... باید همه آماده باشیم

صادق: یا علی پهلوان یا علی ... خدا با ماست

سید حسین: خداحافظ ... بی سیم ات باطری داره یا نه

صادق: آره بابا خیالت راحت باشه

صدای بی سیم... صادق صادق حسین

صادق سریع گوشی بی سیم را بر می دارد

صادق: صادق حسین جون

سید حسین از آنور خط می گوید

سید حسین: صادق نیستی بی معرفت صادق نیستی!

صادق: صادق حسین جون صادق ... آخه ...

سید حسین: زدی زیر قولت ... باصفا

صادق در حالیکه دست روی چشماش گذاشته و حالت گریه داره می گوید

صادق: سید جون کمی صبر کن، مقاومت کن الان بچه ها می رسن، رفتن برای خرید

سید حسین: باز هم حرفهای همیشگی

صادق: سید تو رمز باش، از رمز خارج نشو داداش

سید حسین: ذخیره ها تو بزن یا ...

صادق در حالیکه بشدت ناراحت است می گوید

صادق: آخه چه جوری بهش بگم که گلوله ها تموم شده خط شلوغه و تدارکات رو  
زدن کسی به داد ما نمی رسه یک دونه گلوله هم نداریم

سید حسین: صادق صادق حسین

صادق: صادق سید صادق حسین جون

سید حسین: صادق نیستی ، اگه صادق بودی یه کاری می کردی

صادق: قربون شکل ماهت برم به اسمت قسم صادق

در حالیکه سید حسین گریه می کرد گفت

سید حسین: موش ها دارن بچه ها مو می خورن ، مومن بزن ، بچه هامو کشتند  
قتل عام کردند اینجا کربلاست اینجا نینواست... ذخیره ها تو بزن ... یا ا... یا ا...

صادق: حالا که از رمز اومدی بیرون ... بذار رد ما را همه بگیرن ... بذار ما رو هم  
شهید کنند بذار مقر ما رو هم بزنند ... ولی سید بخدا قسم ذخیره ها رو هم زدم باور  
کن ... خط شلوغه ... کمی صبر کن بچه ها رفتن مهمات بیارن الان میان

سید حسین: صادق صادق حسین

صادق: صادق داداش حسین صادق

سید حسین با صدای آرام و غمگین

سید حسین : حلالم کن مومن حلالم کن ما رفتیم

صادق: خدا کریمه سید تحمل کن وصال نزدیکه سید تحمل کن

سید حسین: بچه ها تا آخرین نفس جنگیدند و به وصل رسیدند فقط منم صادق جون فقط من

صادق: در حالیکه گریه می کند... حلال خوش باشه سید. تو باید شهید می شدی  
شهادت حق تو بود شهادت میراث خانواده شماست شهد شهادت گوارایتان

صدای کجایید ای شهیدان خدایی    بلا جویان دشت کربلایی

صدای بی سیم دوباره میاد

رزمنده : منم صادق ... محمود ... مفهومه

صادق: آره محمود جون بگو بگو بگو بگو

محمود: ما رسیدیم ... موشها رو عقب زدیم میتونی آتیش کنی

صادق: آره بچه ها از خرید او مدن بگو... اکبر تا بگم خمینی رهبر ... راستی از بچه  
ها از سید چه خبر

محمود : سید رفت پیش ۲ تا برادرش صفا کنه.... صفا.. می دونی ... می فهمی

صادق : در حالیکه گریه می کنه می گوید

صادق: برای شادی اونا دارم می ریزم .... بگیر که اومد

محمود: قربونت برم چه خوب داری می ریزی ۵۰ تا اضافه کن همین طور بریز ...

صادق جون

صدای مارش پیروزی عملیات

صادق: یاوران خمینی مظلوم به پیش به پیش رزمندگان اسلام به پیش جانانه بجنگید  
سربازان روح ا... عاشورایی بجنگید ... یا حسین گویان با دشمن قدار نبرد کنید وصال  
نزدیک است مهدی زهرا (عج) خواهد آمد

به همه بگوئید صاحب الزمان ... صاحب عصر و الزمان (عج) خواهد آمد ... برای  
شادی روح سید حسین ، سید جلال و سید مهدی صلوات ... ۳ برادر شهید که  
شجاعانه جنگیدند و مردانه شهید شدند

همه صلوات همه صلوات

کجایید ای شهیدان خدایی

بلا جویان دشت کربلا

کجایید ای امام و رهبر ما

بکش دست نوازش بر سر ما